دلم در عاشقی آواره شد آواره‌تر بادا
تنم از بیدلی بیچاره شد بیچاره‌تر بادا
گر ای زاهد، دعای خیر می‌گویی مرا این گو
که آن آواره از کوی بتان آواره‌تر بادا
(امیرخسرو دهلوی، قرن هفتم، غزلیات)

سوت پایان

از آن‌همه دیروز / بازخوانی تاریخ

مردی که عمرش را بر سر تاریخ گذاشت

نصرالله فلسفی ۹ آذر ۱۲۸۰ در تهران زاده شد. از جوانی به ترجمه آثار ادبی علاقه نشان داد و در ابتدا چند داستان کوتاه از موریس لِبلان را در روزنامه مرد آزاد به صورت پاورقی به چاپ رساند. طولی نکشید که به لحاظ دقت و رعایت امانت در ترجمه، در شمار بهترین مترجمان زبان فرانسه عصر خود شناخته شد. در سال ۱۳۰۷ چند ماهی در وزارت دادگستری به خدمت پرداخت، سپس به وزارت فرهنگ منتقل شد. از سال ۱۳۰۷ در دارالفنون و دانشسرای عالی به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی پرداخت و با تاسیس دانشگاه تهران به عنوان استاد به تدریس تاریخ پیش از اسلام در دانشکده ادبیات مشغول شد.

از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ در سمت رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا مشغول خدمت بود. در سال ۱۳۴۳ به درخواست خودش بازنشسته و در اروپا ساکن شد. مدتی نیز استاد مدعو دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود. علاوه بر نویسندگی و ترجمه کتاب‌های بسیار، مقالات تحقیقی بسیاری درباره تاریخ و ادبیات ایران در نشریات مختلف به چاپ رساند. از جمله تالیفات و ترجمه‌های بی‌شمار او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تاریخ اروپا در قرن نوزدهم و بیستم، تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی، تاریخ ایران پیش از اسلام، تاریخ غزنویان، زندگانی شاه عباس اول، تاریخ انقلاب روسیه، تاریخچه سلطنت قباد و ظهور مزدک، منتخب اشعار ویکتور هوگو و...

نصرالله فلسفی دوم خرداد ۱۳۶۰، یک ماه پس از ورود به ایران، زندگی را بدرود گفت و در شهر ری در مزار حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

داستایوفسکی شخصیت «ابله» را متاثر از چه کسانی ساخت؟

نگاهی به رمان «یادداشت‌های پیک ویک» اثر چارلز دیکنز

گاه آدم فراموش می‌کند رمان چیست به خصوص در این روزگار که از همه چیز آشنایی‌زدایی شده و می‌شود. در چنین شرایطی بهترین نسخه برای درمان سرخوردگی از رمان‌هایی که خواندنشان آدم را کیفور نمی‌کند، رفتن به سراغ رمان‌های سترگ کلاسیک است. رمان‌هایی که هر قدر جهان پیش برود، نوع زندگی آدم‌ها، تفریحات و علایقشان تغییر کند، عالم ارتباطات و تکنولوژی رسانه‌ها و در یک کلام کل زندگی انسان‌ها دگرگون شود؛ بازهم سرحال و سرپا هستند و کک‌شان نمی‌گزد. چارلز دیکنز نمونه بارز نویسندگان چنین آثاری‌ست. در طول سال‌های دور و نزدیک نه‌تنها ترجمه‌های مختلفی از آثار دیکنز منتشر شده بلکه گاه نسخه‌های مخدوش و کوتاه‌شده و یا بازنویسی شده این آثار به بازار آمده است. در این میان اگر مخاطب حرفه‌ای طالب بود، امکان دستیابی به نسخه کامل اغلب آثار مهم او جز «یادداشت‌های پیک ویک» وجود داشت. نشر چشمه با انتشار این رمان تکخالی در مجموعه «جهان کلاسیک» خود رو کرده است. شاید صاحب‌نظران ادبی یادداشت‌های پیک ویک را به لحاظ ادبیت متن در ردیف آرزوهای بزرگ، الیور تویست و خانه قانون‌زده ندانند. اما اغلب همان‌ها بر این باورند که یادداشت‌های پیک ویک بیش از دیگر آثار چارلز دیکنز گواهی دهنده نبوغ اوست و جوشش همین نبوغ است که این رمان را به یکی از محبوب‌ترین رمان‌های دیکنز بدل کرده است. یادداشت‌های پیک ویک را چارلز دیکنز در بیست و چهارسالگی نوشت و اولین اثر داستانی او نیز محسوب می‌شد. پیش از آن مجموعه‌ای از یادداشت‌های مطبوعاتی خود را که رنگ و بوی روایی نیز داشتند در مطبوعات منتشر کرده بود. موفقیت همان یادداشت‌ها باعث شد ناشر پیشنهاد نوشتن داستانی دنباله‌دار به دیکنز بدهد که حاصل آن یادداشت‌های پیک ویک شد.

یادداشت‌های پیک ویک طی نوزده ماه به صورت پاورقی منتشر شد و درهای شهرت را به روی این جوان روزنامه‌نگار که به تندنویسی از مذاکرات میان نمایندگان در مجلس شناخته می‌شد، باز کرد. اثری که سرشار از شور جوانی و نبوغ هنرمندانه‌ای بود که یکبار در وجود دیکنز متجلی شده و تکرار آن ناممکن به نظر می‌رسید. یادداشت‌های پیک ویک یک پاورقی بود که به صورت رمان منتشر شد. به همین خاطر فاقد ساختار شکل‌یافته یک رمان با ساختمانی از پیش طراحی شده است و در عوض مملو است از خرده‌روایت‌هایی که هریک می‌توانند موضوع اصلی یک یا چند بخش از این پاورقی باشند و نخ تسبیحی که آنها را به یکدیگر متصل می‌کند شخصیت ساموئل پیک ویک صاحب باشگاه پیک ویک است که به‌عنوان یکی از لوکیشن‌های مهم رمان، شخصیت‌های گوناگونی سروکله‌شان در آنجا پیدا می‌شود.

چنین ساختاری برای دیکنز جوان این بستر را فراهم آورده تا با حسی آکنده از رهاشدگی شنیده‌ها و دیده‌های خود را از دنیای پیرامونش به ساحت داستان بیاورد. دیکنز استاد شکار مصالح داستانی از دل جامعه است؛ رمان‌های او معمولا تصاویر دقیقی از جامعه دوران ویکتوریایی لندن و انگلستان دارد، این رمان نیز بازتاب‌دهنده تصویر دقیقی از جامعه لندن در عصر ویکتوریاست. یادداشت‌های پیک ویک چنان بر داستایفسکی تاثیر گذاشت که به اعتراف خودش شخصیت اصلی رمان معروفش ابله را با الهام و تاثیرپذیری از آقای پیک ویک و دن کیشوت شکل داد. (منبع: الف)

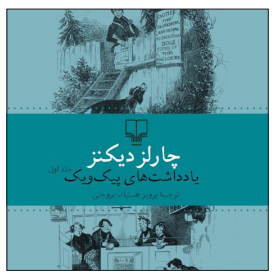

یادداشت‌های پیک ویک
نویسنده: چالز دیکنز
ترجمه: پرویز همتیان بروجنی
نشر چشمه
شمارگان: هزار نسخه
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان (دوره دو جلدی)
۱۱۷۸ صفحه

خودزنی / محیط زیست

به همین سادگی، به همین خوشمزگی:

۴۰ تن ماهی در فیروزکوه تلف شد

مهر نوشت: ۴۰ تن ماهی در پرورش ماهی تهران قزل آلا واقع در منطقه نمرود شهرستان فیروزکوه تلف شدند و خسارتی بالغ بر ۵۰۰ میلیون تومان وارد شد. هنوز چند روزی از تهیه گزارش مشکلات اجرای پروژه سد نمرود برای اهالی روستای سله بن نگذشته است که با آبگیری سد و با توجه به قطع کامل آب رودخانه نمرود و خشک شدن مسیر تا تقاطع زیر پل و کاهش حجم روان آب بعد از سد، شاهد از بین رفتن گونه‌های زیستی، تهدید فضای سبز، کشاورزی و صنایع مرتبط آن در پایین دست سد هستیم. با خشک شدن رودخانه نمرود، بسیاری از آبزیان رودخانه‌ای تلف شدند که سازمان محیط زیست نیز نسبت به این موضوع معترض شده و آن را تهدیدی برای زیست بوم منطقه دانسته است. امروز نیز به همین دلیل ۴۰ تن ماهی در پرورش ماهی تهران قزل آلا واقع در منطقه نمرود شهرستان فیروزکوه تلف شدند و خسارتی بالغ بر ۵۰۰ میلیون تومان رقم خورد. با آبگیری سد نمرود، رودخانه نمرود که از شاخه‌های اصلی رودخانه حبله‌رود است و از دامنه‌های شمالی کوه قره‌داغ و دامنه‌های کوه میشینه مرگ سرچشمه می‌گیرد و زمانی یکی از پرآب‌ترین رودها به شمار می‌رفت، امروزه تقریبا خشک شده است.

این رود با گذر از روستاهای هرانده، خمده، زرین دشت، سیمین دشت و محمود آباد به شهرستان گرمسار می‌رسید و ضمن تامین آب کشاورزی این روستاها، آب چندین مرکز پرورش ماهی را نیز در طول سال‌های گذشته تامین می‌کرد که یکی از این مراکز پرورش ماهی، پرورش ماهی تهران قزل آلا است که از بدو آبگیری سد، با مشکلات عدیده‌ای مواجه و دچار خسارت‌های سنگین شده است. این مرکز از بدو ساخت تاکنون از آب رودخانه به عنوان آب اضطراری استفاده می‌کرد، ماجرا از آنجا شروع شد که با قطعی برق و از کار افتادن تابلوهای برق پرورش ماهی، مسئولان پرورش ماهی به دلیل خشک بودن رودخانه نتوانستند از آب اضطراری یا همان آب رودخانه استفاده کنند و بیش از ۴۰ تن ماهی تلف و خسارتی بالغ بر ۵۰۰ میلیون تومان وارد شد. یوسف کشاورز مالک پرورش ماهی تهران قزل آلا درباره این ماجرا گفته است: مسئولین بدون اطلاع نسبت به قطع یا وصل آب اقدام می‌کنند که هر دو مورد به ضرر ماست. با قطع آب، چنین حادثه بزرگی رخ می‌دهد و زمانی هم که اقدام به باز کردن دریچه‌های سد و وصل آب می‌کنند، به قدری آب آزاد می‌شود که به مانند سیلی تمام تاسیسات و کانال‌های ما را در هم می‌نوردد. یوسف کشاورز نبود بیمه قابل اتکا، عدم حمایت اتحادیه سردآبی و سازمان شیلات را از دیگر مشکلات پیش روی خود دانست و افزود: هیچ‌کدام از سازمان‌های بیمه موجود در کشور اقدام به بیمه کردن پرورش ماهی نمی‌کنند و تنها یک بار بخش کشاورزی بانک کشاورزی، اقدام به بیمه این واحد کرد که با دریافت ۸ میلیون تومان حق بیمه، در ازای خسارت ۱۰۰ میلیون تومانی مبلغ ۱۸ میلیون تومان خسارت پرداخت کرد.

وی در پایان ضمن اشاره به قطعی بیش از سه بار در هفته برق که بیشترین خطر را برای آنها ایجاد می‌کند، گفت: یکی از حیاتی‌ترین مسائل در پرورش ماهی تامین و استمرار برق است که چندین بار به اداره مربوطه برای قطعی پی در پی برق مراجعه کردیم اما پاسخ درستی دریافت نشد.

گردش روزگار برعکس است

... و در شهادت یک شمع / راز منوری است که آن را/ آن آخرین و آن کشیده‌ترین شعله خوب می‌داند... (فروغ فرخزاد) طرح: درگاچف ویکتورویچ اولگ/ اوکراین

با کاروان حله / اخبار هنر

نمایش «خط قرمز» بعد از ۳۴ سال

چرا بعضی‌ها فکر می‌کنند با نمایش یک فیلم، همه چیز به هم می‌ریزد؟ فیلم‌ها چیزی را به هم نمی‌زنند فقط آگاهی به وجود می‌آورند. علی معلم این حرف‌ها را شامگاه گذشته در خانه هنرمندان زد. در بین مردم و هنرمندانی که برای تماشای «خط قرمز» مسعود کیمیایی به ایرانشهر رفته بودند تا در کنار کارگردان این فیلم، فریماه فرجامی و سعید راد به تماشای آن بنشینند. جواد طوسی هم در این نشست همین پرسش را مطرح کرد: «نمایش این فیلم فرصتی را به وجود آورد که پس از ۳۴ سال بپرسیم چرا این فیلم نمایش داده نشد؟»

او کیمیایی را فیلمساز بزنگاه‌های تاریخی دانست که فیلم‌هایش در نقد قدرت تعریف می‌شوند و وقتی درباره دور بودن آثار کیمیایی از زمانه خود پرسید گفت: «او در سینمایش مفاهیمی مثل رفاقت را مطرح می‌کند. به زنان در فیلم‌هایش توجه دارد ولی در این شرایط مگر چقدر می‌توان روی این موضوعات مانور داد؟ وقتی فیلمساز نمی‌تواند دیدگاه‌های خودش را اعمال کند دچار سرگشتگی و تردید می‌شود و آثارش اوج و فرود پیدا می‌کنند. کسی مثل کیمیایی هنوز هم باید برود و پشت در اتاق وزارتخانه بایستد تا اجازه بدهند فیلم بسازد در حالی که فیلمسازانی مثل او که خود را ثابت کرده‌اند دیگر نیازی به طی این پروسه‌ها ندارند. این پروسه شاید برای فیلمسازان تازه‌کار لازم باشد اما الان برعکس شده و هر ننه قمری می‌آید و فیلم می‌سازد در حالی که برای بزرگان سینما که عمری را بر سر این هنر گذاشته‌اند شرایط سخت است.»

جنیفر لارنس در نقش زنی در چهار نسل

فیلم جدید دیوید اِ. راسل با نقش‌آفرینی جنیفر لارنس در نقش یک زن تنها که تبدیل به کارآفرینی موفق می‌شود، ۲۵ دسامبر اکران خواهد شد. «جوی» به کارگردانی دیوید اِ. راسل یکی از آخرین فیلم‌های مستعد فصل جوایز سینما به شمار می‌رود که هنوز به سینما نیامده است. این فیلم که با الهام از زندگی مخترع و کارآفرینی به نام جوی مانگانو ساخته شده است، شنبه برای نخستین بار در نیویورک و لس‌آنجلس نمایش داده شد. جنیفر لارنس در این اثر سینمایی نقش زنی را بازی می‌کند که تلاش دارد زندگی شخصی و تجاری خود را بسازد. این فیلم که ۲۵ دسامبر از سوی کمپانی فاکس در سینماهای آمریکا اکران خواهد شد، سومین همکاری لارنس با راسل پس از فیلم‌های «دفترچه‌ی امیدبخش» و «حقه‌بازی آمریکایی» است. این بازیگر برای بازی در فیلم «دفترچه امیدبخش» جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد و برای نقش آفرینی در فیلم «حقه‌بازی آمریکایی» نامزد دریافت اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن شد. بازیگران بزرگ دیگری چون رابرت دنیرو، بردلی کوپر و ایزابلا روسلینی ایفاگر دیگر نقش‌های این فیلم هستند. دیوید اِ. راسل کارگردان و نویسنده‌ی «جوی» در جلسه پرسش و پاسخ پس از نمایش فیلم گفت: «این نخستین فیلم من است که شخصیت اصلی و قهرمان آن یک زن است.» او در ادامه توضیح داد: «این فیلم داستان سفر زندگی یک زن از ۱۰ تا ۴۳ سالگی است. من پیش از این هیچ‌گاه این چنین فیلمی نساخته بودم.»

فارسی را پاس بداریم

اعتماد به نفس را کیلویی چند و از کجا می‌خرید؟

«این یادداشت می‌کوشد با بررسی مسافرت زائرین کشورمان با استفاده از سفرنامه‌ها و جراید در بازه زمانی سال‌های ۱۸۴۷ تا ۱۸۹۶ میلادی (۱۲۲۶ تا ۱۲۷۵ شمسی) در دوره سلطنت ناصرالدین شاه قاجار پرداخته شود.

در طول سالیان متمادی موضوع زایرین به عراق همیشه یکی از موضوعات فعال و مطرح در شئوون روابط سیاسی و امنیتی در دو سوی مرزها بوده و همین مسئله در روابط دولت عثمانی با دولت های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه در کشورمان خود نمائی و بطور مستقیم در روابط اقتصادی و اجتماعی دو کشور اثر گذار بوده است». (خبرآنلاین / سرویس بین‌الملل / ۷ آذر ۹۴)

منبع نوشته بالا را دقیق و کامل ذکر کردم که یک وقت خدای نکرده فکر نکنید این همه غلط را خودم در این متن جاسازی کرده‌ام. آنچه خواندید سطرهای آغازین گزارشی است که ذیل عنوان «ایرانی ها در زمان عثمانی چگونه به عتبات می‌رفتند؟» در خبرآنلاین منتشر شده است. جا دارد بعد از خواندن چنین متنی چهل روز در خانه تحصن کنم و جز غم چیزی نخورم. اما چه کنم که نه چهل روز، اگر چهل سال هم در اعتراض به چنین نوشته‌ای در به روی خود ببندم و غم بخورم به هیچ جا برنمی‌خورد و آب از آب تکان نمی‌خورد. همین‌طور که مشغول غصه خوردنم می‌خواهم از نویسنده این گزارش چند سوال مختصر بپرسم و چون دستم به او نمی‌رسد پرسش‌هایم را با شما در میان می‌گذارم. اگر او را می‌شناسید این یادداشت را در نهایت احترام تقدیمش کنید:

ـ «این یادداشت» چگونه «می‌کوشد»؟ به تنهایی می‌کوشد یا شما هم کمکش می‌کنید؟

ـ در پاراگراف اول، فعلِ «پرداخته شود» را برای نهادِ «این یادداشت» آورده‌اید؟ خودتان جمله‌تان را خلاصه کنید و نهاد و گزاره را در کنار هم قرار بدهید و بفرمایید «این یادداشت می‌کوشد پرداخته شود» دقیقا یعنی چه؟

ـ منظورتان از «موضوع زایرین به عراق»، سفر زائران به عراق بوده یا خود زائران؟

ـ می‌دانستید شئون را همین‌طور که بنده نوشته‌ام می‌نویسند نه آنطور که جنابعالی فرموده‌اید؟

ـ بالاخره شئون سیاسی یا روابط سیاسی؟ «شئوون! روابط سیاسی» دیگر چه صیغه‌ای است؟

ـ ببخشید! عقل من واقعا به این قضیه قد نداد برای همین است که می‌پرسم. «موضوع زایرین به عراق» خودش به تنهایی، چطور توانسته «یکی از موضوعات فعال» باشد؟ دقیق‌تر بپرسم «موضوع» چگونه می‌تواند «فعال» باشد؟

ـ بعد از کلمهٔ «خود نمائی» باید فعل جمله می‌آمد. آن را به قرینه کدام فعل، حذف کرده‌اید؟

ـ می‌دانستید «نیم‌فاصله» مدت‌هاست اختراع شده و شما می‌توانید با فشردن کلید ctrl+shift و بلافاصله پس از آن فشردن کلید ۲، «می کوشد» را «می‌کوشد» بنویسید و «دولت های» را «دولت‌های» بنویسید و...

ـ پرسش‌هایم به پایان نرسیده‌اند اما چوب‌خط ستون امروزم پر شده. فقط همین را می‌پرسم و می‌روم به غصه خوردنم ادامه می‌دهم: اعتماد به نفس را کیلویی چند و از کجا می‌خرید؟ به ما هم بگویید برویم از همان‌جا بخریم چون در مراکز و فروشگاه‌های دیگر، اعتماد به نفس خیلی گران است و وسع ما به قیمتش نمی‌رسد.